

تفاهم رسید که چگونه می‌توان در شکل دادن به یک انتخابات مطلوب فعال بود؟ با این ملاحظات می‌توان درباره انتخابات پیش رو بحث و گفت‌وگو کرد.

چگونه می‌توانیم رویدادهای تاریخی را تحلیل یا داوری کنیم؟ برخی افراد علاقه دارند که بگویند اگر فلان اتفاق رخ نمی‌داد، اکنون چه وضعیتی داشتیم یا در چه شرایطی به سر می‌بردیم؟ مثلاً اگر فلان ترور یا کودتا یا رویداد رخ نمی‌داد آیا امروز وضع بهتری داشتیم یا بدتر؟ به نظر می‌رسد که تحلیل تاریخ و داوری نسبت به رویدادهای آن از این منظر درست نباشد. شاید بتوان چند دلیل برای این ادعا داشت.

اول اینکه تحلیل امروز ما از گذشته برمبنای برداشتهای پس از واقعه است؛ برداشتهایی که برای عاملان آن اتفاق یا کنش شناخته شده نبود. مگر اینکه در همان زمان رخداد چنین تحلیلی از آینده یک کنش ارائه شده باشد؛ البته تحلیل پس از واقعه برای درس آموزی مهم است ولی برای داوری کردن خیر.

نکته دیگر اینکه نتایج هر واقعه‌ای قطعی نیست. برای مثال اگر پزشک برای خارج کردن تومور اقدام به جراحی کند، در تشخیص و آغاز به جراحی درست عمل کرده است، ولی اگر در هنگام عمل مرتکب اشتباهی شود به نحوی که فرد دچار خونریزی داخلی شود و فوت کند، کسی نمی‌تواند اقدام به جراحی را اشتباه بداند، بلکه تمهیدات بعدی آن را که لازمه موفقیت عمل جراحی است، انجام نداده است. بنابراین هر رویداد تاریخی اگر چه می‌تواند ناقص و اشتباه باشد، ولی به همان اندازه تصمیمات بعدی آن نیز می‌تواند اشتباه و ناقص باشد و تبعات آن رویداد بیش از آنکه ناشی از اصل رویداد باشد، ممکن است ناشی از ضعف اتفاقات بعدی آن باشد.

نکته بعدی که مهم است، پایان ناپذیری نتایج یک کنش و رویداد است. هنگامی که یک غذا یا ماده مسموم و آلوده را می‌خوریم بلافاصله مریض شده یا می‌میریم. این عارضه نتیجه بلافاصل خوردن آن ماده و غذای مسموم است، ولی در امور سیاسی و اجتماعی چنین نیست. چه بسا در مراحل اولیه و کوتاه‌مدت بعد از یک رویداد دستاوردهای مثبتی را شاهد باشیم و در میان‌مدت و درازمدت نتایج عکس بگیریم و برعکس. شاید

بتوان گفت که اقدام هیتلر در ضمیمه کردن اتریش به آلمان دستاورد قابل قبولی برای آلمانی‌ها بود، ولی ادامه این اقدامات، منجر به جنگ دوم و شکست آلمان شد. نکته بعدی فهم اجتماعی و عمومی کنشگران است. هنگامی که یک مجموعه یا جامعه به هر دلیلی به درکی می‌رسد که عملی را انجام دهد، به طور طبیعی باید به این درک احترام گذاشت، البته اگر در یک فرآیند طبیعی و عادی به آن رسیده باشند. بنابراین ما نمی‌توانیم درک گذشتگان را با معیارها و تجربیات امروز خود تخطئه یا داوری کنیم، چرا که در این صورت همین مسأله عیناً برای آن روز ما رخ خواهد داد.

با این مقدمات که به نسبت طولانی شد، از رأی سال ۱۳۹۶ چه تحلیلی باید داشته باشیم و آن را چگونه داوری کنیم؟ بیایید فرض کنیم که به هر دلیلی آن روز چنین رأیی را نمی‌دادیم و به جای روحانی رقیب او رئیس جمهوری می‌شد. امروز چه تحلیلی از آن تصمیم می‌کردیم؟ به احتمال فراوان آن را خیانت مسلم معرفی می‌کردیم؛ زیرا وضع روابط خارجی ممکن بود که بدتر از شرایط کنونی شود و حتی احتمال مواجهه نظامی نیز وجود داشت و در نهایت گمان می‌کردیم که اگر روحانی بود، روند ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ ادامه می‌یافت و امروز وضع بسیار خوبی می‌داشتیم. روشن است که ما از وضعیت فعلی آگاهی نداشتیم که بخواهیم آن وضع را با وضع فعلی مقایسه کنیم. با این حساب هر کاری می‌کردیم، چه رأی می‌دادیم و چه رأی نمی‌دادیم، آیا باید امروز اظهار پشیمانی می‌کردیم؟ پاسخ قطعاً منفی است و باید یک سوی ماجرا را پذیرفت. بنده به عللی معتقدم که باید از آن رأی خود دفاع کنیم. به این علت روشن که آن را در فضایی منطقی و نسبتاً آزاد اتخاذ کردیم. از خلال تعاملات عادی به این برداشت رسیده بودیم. همیشه باید به چنین تصمیماتی ملتمز باشیم. به علاوه آیا در عملکرد بعدی خودمان دچار هیچ نقص و اشتباهی نبوده‌ایم که بخواهیم همه مشکلات را به آن تصمیم ارجاع دهیم؟ ضمن اینکه بازی تمام نشده است و فرآیند اثرات آن تصمیم همچنان ادامه دارد. برای هر ملتی مهم‌ترین نکته همین است که چگونه به یک تصمیم برسند، تصمیمی که در لحظه اتخاذ آن، گمان می‌کنند درست است. چنین رویکردی ضروری است و باید از آن دفاع کرد. به گمان بنده تصمیمات مربوط به سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۸۰، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ جملگی قابل دفاع هستند، چون سلامت و فضای عمومی اتخاذ آن تصمیمات قابل دفاع است.



عکس: رضا معطریان / ایران